

<https://pecritique.com/>

فقد اقتصاد سیاسی  
شهر نور ماه ۱۴۰۲

# با ثروت نفتی چه باید کرد؟

میشل اندرسون

ترجمه‌ی احمد سیف



با ثروت نفتی چه باید کرد؟

**یادداشت مترجم:** بیش از ۱۲۰ سال از امضای قرارداد دارسی می‌گذرد و بیش از صد سال است که ایران از درآمدهای نفتی بهره‌مند است. اگر بخواهیم با خودمان صادق باشیم باید اعتراف کنیم هنوز به‌درستی نمی‌دانیم بهترین شیوه‌ای که مردم و اقتصاد ایران می‌توانند از این دلارهای «بادآورده‌ی نفتی» به بهینه‌ترین وضع بهره‌مند شوند کدام است. به غیر از نزدیک به سه سالی که پیر احمدآباد نخست‌وزیر بود و شریان دلارهای نفتی را قطع کرده بودند، در چند سالی قبل از آن و از آن تاریخ تا به همین امروز، از همه جای اقتصاد ما بوی نفت به مشام می‌رسد و هنوز که هنوز است نبض اقتصاد ما با بالووپایین شدن بازار نفت کند و تند می‌شود. ارزش پول ملی ما در این سال‌های اخیر به‌شدت دستخوش کاهش چشمگیری شده است و وضعیت اقتصادی کلی هم با همه‌ی ادعاها چندان تعریفی ندارد. در این مقاله که بیش از ده سال پیش از نگارش آن می‌گذرد، نویسنده بخش نفت کانادا را با بخش نفت نروژ مقایسه می‌کند. به گمان من علاقمندان می‌توانند با استفاده از داده‌های آماری به‌جای کانادا از ایران استفاده کنند شاید بتوان راه برون‌رفتی برای استفاده‌ی بهینه از دلارهای نفتی یافت. (م.)

آیا کانادا یک کشور نفتی است؟ در حالی که در این کشور مباحث زیادی درباره‌ی نفت شل و یا پی‌آمدهای بیماری هلندی در جریان است، ولی تردیدی نیست که نفت بخش عمده‌ای از اقتصاد ماست به یقین در آینده هم اهمیت نفت بیشتر خواهد شد. کانادا ششمین کشور تولیدکننده‌ی نفت در جهان است. صادرات انرژی ۷٪ تولید ناخالص داخلی ما و ۱۹ درصد کل صادرات ما را تشکیل می‌دهد. برآورد می‌شود که ذخایر نفتی در زیر‌شن‌های آلبرتا تنها پس از عربستان سعودی در مقام دوم در جهان قرار دارد و بعضی از کارشناسان معتقدند که تولید نفت کانادا تا سال ۲۰۲۰ به ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> در ویکیپدیا می‌خوانیم که در سال ۲۰۱۹ متوسط تولید کانادا ۴.۷ میلیون بشکه در روز بود. (م.)

ولی آینده‌ی بخش نفت در کانادا چه خواهد شد؟ آیا دولت کانادا در حمایت از منافع مالیات‌دهندگان کانادایی مذاکره برای استفاده از رانتهای نفتی را به‌خوبی انجام داده است؟ درباره‌ی امنیت کارگران در محیط کار و در حفاظت از بهداشت محیط زیست چه؟ چه‌گونه می‌توان به یک توافق ملی و سراسری در استفاده از این منبع مهم جهانی رسید؟ چه‌گونه می‌توان برای نسل‌های آینده یک میراث اقتصادی پایدار به جا گذاشت؟

به نظر می‌رسد در کانادا این مباحث آن‌چنان فرقه‌بندی شده است که به‌دشواری می‌توان این پرسش‌ها را تبیین کرده و به آنها پاسخ شایسته داد. به این دلیل نشریه‌ی Tyee از من خواست به نروژ بروم و ببینیم چه‌گونه می‌توان درباره‌ی اقتصاد منع‌محور ما روشنگری کرد و از نروژ چه درس‌هایی می‌توان گرفت.

## حساب پس‌انداز حیرت‌آور نروژ

تولید نفت نروژ از تولید کانادا ۴۰ درصد کمتر است و جمعیت‌اش هم تنها یک‌هفتم جمعیت کانادا است ولی از درآمدهای ناشی از نفت ۶۰۰ میلیارد دلار پس‌انداز کرده است که روند افزایشی هم دارد. این مبلغ مساوی ۱۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی نروژ است یا به زبان دیگر، ۱۲۰ هزار دلار به‌ازای هر مرد و زن و کودک در این کشور. اما برعکس، در کانادا، با بدهی ملی ۵۶۶ میلیارد دلاری هر شهروند مرد و زن و کودک کانادایی، ۱۶ هزار دلار بدهی دارد.

درحالی که کانادا می‌خواهد با حذف ۱۹ هزار فرصت شغلی در بخش دولتی بودجه‌ی خود را به توازن برساند، نروژ بدهی ملی ندارد، در آن اشتغال کامل وجود دارد و درآمد سرانه‌ی شهروند نروژی هم در جهان در مقام چهارم قرار دارد در حالی که درآمد سرانه‌ی کانادا مقام دوازدهم را دارد.

حتی اگر از اقتصاد صرف‌نظر کنیم، آن‌ها که در نروژ زندگی می‌کنند به‌واقع نیک‌بخت‌اند. نروژ به‌طور معمول در شاخص توسعه‌ی انسانی تقریباً همیشه در مقام اول قرار دارد و براساس شاخص دموکراسی شیوه‌ی اداره‌ی نروژ در مقام نخست جهان است. بهترین کشور جهان برای مادرشدن، نروژ است.

با ثروت نفتی چه باید کرد؟

اگرچه در پیوند با صادرات نفت خام در جهان مقام سوم را دارد ولی در شاخص عملکرد حفاظت از بهداشت محیط زیست هم نروژ مقام سوم را در جهان دارد در حالی که مقام کانادا سی و هفتمین است یعنی حتی از نیکاراگوئه، آلبانی و کلمبیا هم پایین قرار دارد.

در حالی که بعضی دولتمردان کانادایی وجود بیماری هلندی را انکار کرده و آن را نادرست می‌دانند - که واحد پولی پیوسته با درآمدهای نفتی موجب کاهش صادرات تولیدات صنعتی می‌شود - ولی دولت نروژ به‌طور مشخص برای اجتناب از پی‌آمدهای منفی اقتصادی تصمیم گرفته است که ثروت ناشی از صادرات نفت را در خارج از نروژ سرمایه‌گذاری نماید.

### توافق ملی در نروژ

به‌عنوان یک کانادایی که شاهد بگومگوهای پایان‌ناپذیر منطقه‌ای و ایدئولوژیک در کانادا بوده‌ام، احتمالاً آن‌چه که در سفر نروژ بیشتر از همه موجب شگفتی من شد وجود یک توافق ملی برسر توسعه‌ی صنعت نفت در نروژ بود. هیچ‌کس از کسانی که من با آنها ملاقات کرده‌ام - از جمله نمایندگان نهضت‌های بهداشت محیط زیستی خواستار محدود کردن گسترش صنایع نفتی‌شان نبودند. نه تظاهراتی دیده‌ام و نه اعتراضی و نه مباحث سیاسی داغ یعنی آن‌چه که در کانادا فراوان است.

این حمایت عمومی گسترده و جان‌دار با نظارت بسیار مفید و مؤثر دولت به‌دست آمد. مدیریت تعاونی به یک وضعیت بسیار امن از نظر سلامت رسید و یک نظام مالیاتی به نفع یک برنامه‌ی اجتماعی بسیار گسترده که به نفع همگان در نروژ است هم ایجاد شد.

این منافع عبارتند از تحصیل دانشگاهی رایگان، تسهیلات سراسری نگهداری از بچه و سالی هم ۲۵ روز مرخصی با حقوق. هزینه‌ی سرانه‌ی بهداشت عمومی ۳۰ درصد از هزینه‌ی سرانه در کانادا بیشتر است و منابع برای حوزه‌های هنر و فرهنگ هم از آن‌چه در کانادا می‌شود بیش از ۳ برابر بیشتر است.

## مناسبات سخت‌گیرانه‌ی نروژ با شرکت‌های خارجی

تأمین مالی همه‌ی آن چیزهایی که در نروژ هست از کجا می‌آید؟ از دهه‌ی ۱۹۷۰ به این‌سو نروژ بین ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمدهای نفتی را با نرخ مالیات بر شرکت‌ها که دوبرابر نرخ مالیات در کاناداست و هم‌چنین یک مالیات ویژه بر سود نفتی به دست آورده است. در آلبرتا - ایالتی در کانادا - در سال ۲۰۱۰ کل درآمد دولت کانادا از نفت حدود ۱۰٪ کل درآمدهای نفتی بود.

نروژ هم‌چنین از شرکت‌های خارجی می‌خواهد که به کارگران نروژی آموزش‌های لازم را بدهند و در انتقال فناوری به شرکت نفت دولتی استات‌اویل کم‌کاری نکنند و حتی در مواردی سکوهای تولید نفت در دریاها را پس از یک مدت معین به‌رایگان به دولت نروژ واگذار کنند.

این اصرار نروژ به مشارکت ملی پی‌آمدهای خوبی داشت. شرکت‌هایی که متعلق به مالیات‌دهندگان نروژی هستند مالک حدود ۳۰ درصد از تولید نفت در نروژ هستند که خود به صورت درآمد بیشتر از یک طرف و داده‌های فناوری در اداره‌ی این منبع اساسی درمی‌آیند.

یا چند استثنای ناچیز، اُتاوا و دیگر مناطق هیچ مالکیتی بر منابع نفتی کانادا ندارند. کانادا در میان ده کشور عمده‌ی تولیدکننده‌ی نفت، تنها کشوری است (به‌غیر از ایالات متحده) که یک شرکت نفتی دولتی ندارد. شرکت‌های نفتی دولتی در حال حاضر بیش از ۵۲٪ از تولید و ۸۸٪ از ذخایر شناخته شده‌ی جهان را در مالکیت دارند. شرکت پترو کانادا به‌عنوان یک شرکت سهامی در سال ۱۹۷۵ تشکیل شد ولی در آلبرتا از همان ابتدا به آن به‌عنوان نماد مداخله‌ی دولت در حکمرانی ایالتی نگریسته شد. مالکیت‌های مختصری که اُتاوا در دیگر شرکت‌ها داشت بدون سروصدا در سال ۲۰۰۴ به بخش خصوصی واگذار شدند.

## چه درس‌هایی برای کانادا؟

آیا ممکن است الگوی نروژ در کانادا هم موفق شود؟ اگر دولت خواستار نظارت بیشتر و سهم بیشتری از رانتهای نفتی باشد آیا سرمایه و صاحبان صنایع از کانادا فرار

با ثروت نفتی چه باید کرد؟

نخواهند کرد؟ این دیدگاه در میان سیاست‌پردازان و ناظران در کانادا وجود دارد و در تازه‌ترین انتخابات آلبرتا هم موضوع اصلی در بحث‌وجدل‌های انتخاباتی بود.

با این همه، نروژ هیچ‌گاه با مشکل فرار سرمایه روبرو نشده است. در واقع شمار بیشتری از شرکت‌های نفتی صف کشیده‌اند تا میلیاردها دلار در نروژ سرمایه‌گذاری کرده و در اداره‌ی بخش نفت مشارکت کنند و این درحالی است که میزان نظارت دولت و مالیاتی که باید بپردازند با آن‌چه در کانادا وجود دارد اصلاً قابل‌مقایسه نیست.

در واقع به نظر می‌رسد این مجموعه موجب شده که سرمایه‌گذاری در نروژ حتی جذاب‌تر بشود چون از نظر جمعیت نروژ، توسعه‌ی صنعت نفت‌شان با توافق کامل ملی صورت می‌گیرد. از طرف دیگر این که مالیات‌دهندگان نروژی هم به سرمایه‌گذاری ادامه می‌دهند به سرمایه‌گذاران دیگر اطمینان خاطر می‌دهد در حالی که در کانادا موقعیت کاملاً عکس آن است: جروبحث‌های دائمی و بی‌انتهای.

البته الگوی نروژ کامل نیست و در پیوند با صنعت نفت چند موضوع بحث برانگیز هم وجود دارد. برخلاف کشورهای همسایه‌ی خود در اسکاندیناوی، نروژ در منابع بازیابی انرژی - باد و یا خورشید - تقریباً هیچ سرمایه‌گذاری انجام نداده است.

در ضمن، برای فعالیت‌های نفتی در سواحل شمالی هم که محل زندگی ماهی‌هاست مخالفت‌هایی وجود دارد. بسیاری از نروژی‌ها هم نگران‌اند که این سیاست‌های درازمدت حفظ اقتصاد از پول‌های نفتی دارد تضعیف می‌شود و از طرف دیگر قیمت‌ها و مزدها هم روند افزایشی گرفته‌اند.

با این همه عمده‌ترین مقوله‌ی بحث‌برانگیزی که در نروژ درباره‌ی نفت وجود دارد در واقع به ایالت آلبرتا مربوط می‌شود. شرکت دولتی استات‌اویل به صورت یک سهام‌دار جزئی تولیدات نفتی در کانادا درآمده و بسیاری از نروژی‌ها بر این باورند که این نوع مشارکت از نظر اخلاقی درست نیست.

شورای مرکزی کلیسا در نروژ و دیگران از دولت خواسته‌اند که از این مشارکت کنار بکشند.

واضح است که این کار ساده‌ای است که کسی از صنایع نفتی در یک کشور دیگر انتقاد کند ولی این مورد در عین حال نشان می‌دهد که میزان توافق ملی برسر نفت در

نروژ به‌واقع قابل‌توجه است. اگر به گونه‌ای دیگر بخواهم همین نکته را بازگو کنم وقتی که اخیراً در بیرون از یکی از شعب شرکت استت‌اویل فعالان گرین‌پیس بین کارگران بروشور پخش می‌کردند شرکت استت‌اویل برای این فعالان قهوه و ساندویچ تهیه دید. آیا در کانادا هم شاهد چنین رفتاری خواهیم بود؟

## آینده چه می‌شود؟

پرسش این است که چه‌گونه در نروژ تا این درجه مدنیت ملی درباره‌ی مسائل مربوط به منابع طبیعی به دست آمده است؟ با بهره‌گیری از شباهت‌ها و دقت در تفاوت‌ها چه درس‌هایی می‌توان گرفت؟ آیا تجربه‌ی نفتی در نروژ می‌تواند مددکار کشورهای جهان اول در مذاکرات خود برای گسترش منابع طبیعی‌شان باشد؟

نروژ و کانادا یک میراث اروپایی مشترک دارند. تراکم جمعیتی در هر دو کشور پایین است. هر دو کشور نظام حاکمیتی مطلوبی دارند یعنی دموکراسی پیشرفته با برنامه‌های اجتماعی خیلی قوی. با این وصف، پسرعموی نروژ در اتلانتیک شمالی راه متفاوتی برگزید و پی‌آمدها هم تفاوت دارد. در فرصت‌های بعدی سعی می‌کنیم در این مباحثی که درباره‌ی مدیریت منابع طبیعی در کانادا در جریان است به‌طور فعال‌تر مشارکت کنیم.

پیوند با منبع اصلی:

<https://thetyee.ca/News/2012/07/25/Norway-Oil-Wealth>